

ترجمه از جلد دوم مجموعه حقوق جزا و علوم جنائی
تألیف Pierre Bouzat رئیس مجمع بین‌المللی حقوق جزا
و Jean Pinatel بازرسی کل اداری و رئیس کمیسیون علمی
و دبیر کل افتخاری مجمع بین‌المللی علوم جنائی.

۲



(اجرای قوانین جزائی در مکان)

حقوق جزاء بین الملل

**L'application Des Lois Pénal Dans L'espace
(Le Droit Pénal International)**



بخش سوم: استثنائات بمنظور گسترش Les exceptions par extension (اصل

سرزمینی بودن قوانین جزائی)

تقسیمات: در بعضی موارد با اعمال استثنائاتی بر اصل سرزمینی بودن
قوانین جزائی، قوانین جزائی فرانسه در مورد جرائمی هم که در خارج از این
سرزمین ارتکاب یابند جاری است این استثنائات را برحسب گسترش و توسعه آنها
میتوان به دو گروه طبقه‌بندی نمود.

۱- استثنائات نظم عام

۲- استثنائات نظم خاص

بخش فرعی اول: استثنائات نظم عام

متون: این استثنائات که سابقاً در مواد ۵ و ۷ قانون تعلیمات جنائی قید شده
بود اکنون در مواد ۶۸۹ به بعد در قانون آئین دادرسی کیفری قید شده و چنین مقرر
میدارد، وقتیکه فاعل جرم ارتكابی در خارج (سرزمین بیگانه) - فرانسوی باشد
یا يك خارجی - در اینصورت صلاحیت قانون فرانسه بالطبع نسبت به مرتکب
فرانسوی وسیع‌تر از مرتکب خارجی قابل اجرا است.

بند اول: صلاحیت رسیدگی نسبت به بعضی از جنایات یا جنحه‌هایی که توسط فرد
فرانسوی در خارج (کشور بیگانه) ارتکاب یافته‌اند.

اطلاعات عمومی: ماده ۶۸۹ قانون آئین دادرسی کیفری تحت بعضی شرایط مجازات جرایمی را که در خارج توسط يك فرانسوی یا يك خارجی که تابعیت فرانسه را بعداً کسب کرده ارتکاب شود تجویز مینماید.

توجیه این صلاحیت

اعمال صلاحیت نسبت به جرائم ارتكابی از ناحیه اتباع ما (فرانسه) در خارج اقدام به اجرای سیستمی است که بنام «شخصی بودن فاعل» یا «شخصی بودن فعل» نام دارد.

اعمال این صلاحیت را میتوان بدو دلیل ذیل توجیه نمود:

الف: فرانسوی‌هائی که در سرزمین بیگانه مقیمند این حق را دارند که از حمایت دولت فرانسه توسط نمایندگان سیاسی و کنسولی ما برخوردار شوند، این درست است که این افراد در مقابل فرانسه و اعمال قابل مجازات ارتكابی مسئولیت دارند ولی مسئولیت این افراد تا حدودی است که رفتار ناشایست و بی‌رویه آنها به شهرت فرانسویان لطمه‌زده و بطورکلی موجب ضرر و زیان کشور فرانسه شده است.

ب: - اگر فرانسوی که در خارج محکومیت یافته به فرانسه پناهنده شود افکار عمومی از عدم مجازات او جریحه‌دار میشود بعلاوه بیم آن میرود که فعالیت جرم‌آمیز او ادامه یابد.

این عوامل و ملاحظات موجب شده‌اند که فرانسه بعضی از صلاحیت‌ها را که حداقل مربوط به رسیدگی به جنایت و جنحه‌های خیلی مهم که از ناحیه اتباع او در خارج ارتکاب شوند و دستگاه قضائی کشور خارج هم این جرائم را مجازات نکرده باشد (این مسئله به ندرت اتفاق می‌افتد) برای خود قائل باشد.

مسلماً بهتر این بود که در همه موارد از نقش استرداد مجرم استفاده و مرتکب جرم فرانسوی را به کشوری که در سرزمین او جرم ارتکاب یافته تسلیم نمود در این صورت است که محاکمه او در شرایط مساعدتری از لحاظ بررسی واقعیت و چگونگی امر (بررسی دلائل جرم) جریان خواهد یافت ولی تسلیم اتباع فرانسه هنوز توسط دولت فرانسه تجویز نشده است.

شرایط اعمال این صلاحیت

فرانسوی یا خارجی که به تابعیت فرانسه درآمده نمیتوان او را در فرانسه تعقیب نمود مگر اینکه بعضی از شرایط (که عده‌ای از آنها مشترك با جنایات و جنحه‌است و عده‌ای مخصوص جنحه است) موجود باشد.

شرایط مشترك بین جنایات و جنحه‌ها

الف: جرم باید جنایت یا جنحه‌ای باشد که در قانون فرانسه پیش‌بینی شده باشد (ماده ۶۸۹ قانون آئین دادرسی کیفری) قانون فرانسه (متأسفانه) نسبت به

اعمالی که آنها را مجازات نمی‌کند علاقه‌ای ندارد و حتی بین اعمالی هم که این قانون آنها را مجازات می‌کند فقط به مجازات جنایات و جنحه‌هایی که از آنها ناراحت است ذی‌علاقه است چون (تخلفات ارتكابی در کشور بیگانه هیچگونه احساسی در فرانسه بر نمی‌انگیزد).

ب: محکوم نباید قبلاً بطور قطعی در خارج محکومیت یافته یا مجازاتش مشمول مرور زمان یا مشمول عفو عمومی شده باشد (ماده ۶۹۲ قانون آئین دادرسی کیفری)

اصل (non bis in idem) کسیکه قبلاً بعلت ارتکاب جرم تحت تعقیب و حکم درباره او قطعیت یافته نمیتوان او را مجدداً بهمان علت تعقیب نمود) برای تجدید تعقیب مانعی است، چون این غیرقابل قبول است که شخص دو مرتبه دین خود را به اجتماع بپردازد بنابراین برای رسیدگی مجدد، آراء صادره در خارج باید بمرحله قطعیت نرسیده باشند بدین معنی که این آراء نباید در کشوری که صادر شده‌اند قابل تجدید نظر باشند^۲ یعنی حکمی که از دادگاه بدوی صادر و هنوز مهلت استینافی آن منقضی نشده و نیز احکام غیابی قابل وخواهی و نیز احکام غیابی قابل استیناف که در مورد محکوم غیابی صادر شده‌اند احکام قطعی محسوب نمیشوند بعلاوه باید احکام در مورد محکوم بطور کامل اجراء شده باشند. قانون ۳ آوریل ۱۹۰۳ با احتیاط موردیکه فرد محکومیت یافته و مجازات نشده یا مجازاتش مشمول مرور زمان یا مشمول عفو عمومی شده باشد برای خود محفوظ داشته است این مسئله مورد سؤال قرار گرفته آیا محکوم پس از اینکه فقط يك قسمت از مجازات در مورد او اجراء شد اگر فرار اختیار کند در مورد او چه باید کرد؟ در اینجا برخلاف بعضی از قوانین خارجی، قانون فرانسه کاهش قسمتی از مجازاتی را که محکوم در کشور بیگانه تحمل کرده پیش‌بینی نکرده است بنابراین وقتی که محکومیت جدیدی برای همین عمل ارتكابی در فرانسه نیز صادر شود فقط باید قانون عفو عمومی را در مورد او اجرا نمود.^۳

ج- سابقاً محکوم باید بفرانسه مراجعت مینمود یا در صورتی هم که هرگز در فرانسه نبوده باید بکشور فرانسه مراجعت مینمود اما این شرط در قانون آئین دادرسی کیفری مورد توجه قرار نگرفته بنابراین اقدامات تعقیبی را میتوان در صورت عدم حضور او با رسیدگی غیابی انجام داد و اگر متهم دارای اموالی در فرانسه باشد مجنی‌علیه بدون اینکه منتظر اجرای حکمی از خارج شود میتواند آن اموال را بازداشت کند.

(۱) این مسئله قابل تأسف است: فرد فرانسوی را که در خارج اقدام بساختن پول قلب خارجی که اعتبار و جریان قانونی در فرانسه نداشته نموده است در داخل فرانسه قابل تعقیب ندانسته‌اند درحالیکه این عمل برطبق قانون خارجی جنایت محسوب میشود ولی در قانون فرانسه تا تصویب قانون ۲۵ نوامبر ۱۹۶۸ قابل تعقیب نبوده است.

(۲) خاصیت اینکه آیا حکم صادره از کشور بیگانه قطعی است یا نه در این مورد باید به قانون کشوری که این احکام را صادر کرده مراجعه نمود.

۵ - این سؤال مطرح است، آیا مرور زمان تعقیب دعوی عمومی باید برطبق مقررات فرانسه یا برطبق مقررات کشور خارجی جریان یابد؟ ظاهراً چنین بنظر میرسد که باید مرور زمان قوانین فرانسه را قبول کرد ولی مناسبتر این است که هروقت قوانین خارجی در این مورد ملایمتر باشند مرور زمان قانون خارجی را اجراء نمود.

شرایط مخصوص در مورد جنحهها

وقتیکه جرم فقط يك جنحه تأدیبی است قانون آئین دادرسی کیفری به پیروی از قانون (تعلیمات جنائی) علاوه بر شرایط عمومی قبلی سه شرط مخصوص مکمل (دو شرط از این شروط مخصوص جنحههای ارتكابی علیه اشخاص است) را لازم دانسته در عین حال جنحهها نباید از جرائم شدید باشند و نیز باید با وجود دوری واقعه مجرمانه و اشکالات جمعآوری دلائل که ناشی از آن است دلائل جدی برای اینکه دستگاه قضائی فرانسه دعوا را به گردش درآورد موجود باشد.

این سه شرط تکمیلی بقرار زیر است:

الف - جرم باید نه تنها برطبق قانون جزای فرانسه قابل مجازات باشد بلکه باید برطبق قانون محلی هم که جرم در آن واقع شده قابل مجازات باشد (ماده ۶۸۹ بند دو) قانونگذار ما برخلاف اصل اجرای انحصاری قوانین فرانسه در اینجا رعایت مقررات کشور خارجی را پذیرفته است. اگر توصیفی که از جرم در قانون کشور بیگانه بعمل آمده با توصیفی که از آن جرم در قانون فرانسه شده مغایر باشد و یا اگر مجازاتی که در قانون کشور خارجی برای جرم در نظر گرفته شده با مجازاتی که قانون فرانسه در نظر گرفته مغایر باشد مسئله مهمی نیست و نیز اگر دستگاه قضائی خارجی گردش و جریان دعوا را صلاح ندانسته این موضوع مانع از رسیدگی دعوا در فرانسه نمیشود.

ب - اگر جنحه ارتكابی بر علیه اشخاص باشد در اینجا باید شکایت زیان دیده از جرم با شکوائیه رسمی مقامات کشوری که جرم در قلمرو آن واقع شده به مقامات فرانسوی تسلیم شود؛ وجود يك شکوائیه از طرف مجنی علیه برای این منظور است که ثابت شود جرم آثار و عواقب شدید داشته و تعقیب بی فایده نخواهد بود ولی این موضوع هم که مجنی علیه ممکن بود خود را از لحاظ تعقیب در محظور دیده و یا تعقیب برای او امکان نداشته و یا اینکه برخلاف منافع عمومی قرارداد سازشی بر اثر فشار با مجرم منمقد کند بنابراین با پیش بینی چنین مواردی قانونگذار لازم دانسته که اعلام جرم مقامات خارجی به مقامات فرانسوی باید جانشین شکوائیه باشد.

ج - اگر جنحه ارتكابی بر علیه اشخاص باشد باید اداره مدعی العمومی تمایل به گردش جریان دعوی عمومی داشته باشد (ماده ۶۹۱) بنابراین زیان دیده از جرم نمیتواند با نقص حقوق عمومی مستقیماً به دادگاه جزا مراجعه کند و این روش موجب خواهد شد که از تعقیب دعاوی که موجب اختلال در روابط بین المللی میشود

جلوگیری نمود.

بنابراین مجنی علیه وقتی میتواند ادعای خصوصی خود را نسبت به ضرر و زیان اعلام کند که دعوی حقوقی خود را به دعوای عمومی که از طرف مدعی-العمومی اعلام خواهد شد ضمیمه سازد.

تسهیلاتی که اکنون برای تعقیب بعضی جرائم توسط قانون فراهم شده

فرمان مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۶۰ بند دوم از ماده ۶۸۹ قانون آئین دادرسی کیفری را تکمیل و چنین مقرر میدارد «جنجهائی که بامنیت دولت ضرر و زیان وارد سازد» باید در اینجا متوجه بود که کلمه جنجه بمعنی وسیع جرم در نظر گرفته شده و این جنجه‌ها عبارتند از قلب‌سازی مهر دولت، یا پول ملی در حال جریان که در خارج از سرزمین فرانسه انجام یافته و همانند جرائمی تلقی میشوند که در خاک فرانسه ارتکاب شده‌اند.»

صلاحیت نسبت به بعضی از جنایات و جنجه‌های ارتكابی

توسط بیگانگان در خارجه

قلمرو اعمال و اجرای این صلاحیت:

ماده ۶۹۴ از قانون آئین دادرسی کیفری که خیلی محدودتر از ماده ۶۸۹ است تعقیب شخص خارجی را در داخل فرانسه برای جرائم ارتكابی در خارج از فرانسه در صورتی مجاز میداند که شخص خارجی بمنوان فاعل یا شرکاء جنایت یا جنجه‌ای که بامنیت این دولت لطمه زند تحت تعقیب قرار گیرند نظیر قلب‌سازی مهر دولت یا ساختن پول داخلی در جریان.

هدف از ماده ۶۹۴ اینست که از منافع فرانسه حمایت شود، بهمین علت هم تعقیب حتی موقعی هم که محکوم قبلاً در خارج تحت تعقیب قرار گرفته و رأی محکومیت نیز در مورد او صادر شده و حتی مجازاتش را هم تحمل کرده باشد مجاز دانسته است یعنی در اینجا اعتبار امر مختومه (اعتبار قضیه محکوم‌بها) آراء کشور خارجی را در قبال منافع فرانسه باطل و بی‌اثر دانسته است چون در اینجا بیم از این است که متهمی که در يك کشور خارجی (احیاناً کشورخودش) تحت تعقیب واقع شده دستگاه قضائی خارجی هنگام رسیدگی به اتهام نسبت به منافع فرانسه حالت بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی داشته و بدان توجه ننموده است و بر خلاف موردیکه متهم فرانسوی است در این صورت تعقیب وقتی جریان مییابد که متهم در خاک فرانسه بازداشت یا اینکه دولت فرانسه او را از طریق استرداد مجرمین مسترد دارد بنابراین تعقیب جرم با توسل به حکم غیابی منع گردیده (در حالیکه برطبق ماده ۶۸۹ تعقیب غیابی در مواردیکه فرانسویان در خارج از فرانسه چنین جرائمی مرتکب شوند مورد قبول واقع شده است).

بیگانگانی که اکثراً اموالی در سرزمین ما ندارند تعقیب آنها به توسط احکام غیابی جز اینکه ناتوانی دستگاه قضائی ما را ظاهر سازد فایده دیگری ندارد.

بند دوم: صلاحیت در مورد اعمال شرکت در جرم

مقررات رویه قضائی و قانون آئین دادرسی کیفری

تحت حکومت قانون تعلیمات جنائی که استناد به مجرمیت اقتباس از آنست، اعمال ارتكابی در کشور بیگانه را که تشکیل دهنده يك عمل شرکت در جرمی بوده و ارتباط با جرم اصلی ارتكابی در فرانسه داشته در صلاحیت قوانین و دادگاههای مآقرار داده که برطبق قانون فرانسه دادرسی بعمل آید درحالیکه عکس این مورد یعنی اعمال ارتكابی در فرانسه را که مجموع آنها عمل شرکت در جرمی را تشکیل میدهد که باجرم اصلی ارتكابی در خارج که قابل مجازات در فرانسه نبوده مربوط بوده است در اینمورد دستگاه قضائی ما را مجبور نموده که عدم صلاحیت خود را در مورد اخیر اعلام دارند؛ این رویه قضائی با تأمین عدم مجازات شرکاء جرم مقیم فرانسه اهمیت مجازات را بنظرانداخته و قانونگذار برای رفع آن خواسته باتوسل به ماده جدید ۶۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری آن نقیصه را مرتفع سازد، این ماده مقرر میدارد «هرکس در سرزمین جمهوری متهم بشرکت در جنایت یا جنحه‌ای شود که عمل اصلی در خارج ارتكاب شده، اگر عمل ارتكابی در عین حال برطبق قوانین فرانسه و قانون خارجی قابل مجازات باشد میتوان در فرانسه برطبق قانون فرانسه او را تعقیب و محاکمه نمود مشروط براینکه جنایت یا جنحه ارتكابی توسط آراء قطعی صادره از دادگاههای خارجی تأیید شده باشد».

بطوریکه ملاحظه میشود اعمال شرکت در جرم را بتبع جرم اصلی قابل مجازات دانسته است و ماده ۶۹۲ مقرر میدارد که در مورد اعمال شرکت در جرم ارتكابی هیچگونه تعقیبی بعمل نمیآید مشروط براینکه متهم ثابت کند که قبلاً در خارج حکم قطعی در باره او صادر و در صورت محکومیت مجازات مقرر در حکم در باره او اجرا یا مجازات مشمول مرور زمان یا مشمول عفو عمومی گردیده است. ملاحظه میشود ماده ۶۹۰ ذکری از شرکت در جرمهای ارتكابی در خارج که ارتباط با جرم اصلی ارتكابی در فرانسه دارد بمیان نیآورده و در این مورد رویه قضائی اعتبار داشته و به قوت خود باقی است.

مقررات صلاحیت بین دادگاههای فرانسوی (صلاحیت محلی)

اطلاعات عمومی:

وقتی شرایط تعقیب و رسیدگی برای همه موارد پیش بینی شده در این بخش فرعی اول موجود بود و جرم اساساً در نزد دادگاههای محلی که بازداشتی مقیم است

یا در آخرین محل اقامتگاه یا محلی که در آنجا بوده قابل تعقیب است (ماده ۶۹۶ بند اول قانون آئین دادرسی کیفری) معیناً ماده ۶۹۶ در بند دوم خود اضافه میکند «این مقررات بمنظور تسهیل در جمع‌آوری دلائل و مدارک است» که «دیوان تمیز میتواند برحسب تقاضای اداره مدعی‌العمومی یا طرفین اختلاف، بمنظور اطلاع و آشنائی از چگونگی جرم به نزد دادگاه نزدیک به محل جنایت یا جنحه‌احاله نماید» یعنی به دادگاهی که نزدیک‌تر به مرز کشوری است که جرم در آنجا واقع شده است احاله میشود و نیز بدین نحو عمل میشود حتی اگر تعقیب شروع شده و هنوز رأی در ماهیت دعوی صادر نشده باشد.

بخش فرعی دوم: استثنائات نظم خاص

نظر اجمالی - عده‌ای از استثنائات نظم خاص وجود دارد که اساس آنها با هم اختلاف زیادی دارند:

۱- انواع مختلف جرائم ارتكابی در سرزمینهای دول مختلف هم‌مرز

از نقطه نظر تسهیل کار پلیس مرزها ماده ۶۹۵ قانون آئین دادرسی کیفری مجدداً مقررات ۲۶ ژوئن ۱۹۶۶ را مورد توجه و اعلام میدارد «هرفرانسوی که از جنحه‌ها و تخلفات مربوط به جنگل‌بانی، روستائی، شکاربانی، گمرکی، مالیاتهای غیر مستقیم، در داخل سرزمین یکی از دول هم‌مرز مرتکب شود میتواند او را در فرانسه و برطبق قانون فرانسه تعقیب و محاکمه نمود مشروط براینکه این دولت متقابلاً تعقیب اتباع خود را در کشورش برای ارتكاب چنین اعمالی در فرانسه قبول کند و عمل متقابل قانوناً در قراردادهای بین‌المللی یا فرمان تعیین شده است».

فایده و مزایای این قانون این است که از فرار و پناهندگی مجرمین که پس از ارتكاب جرائم یادشده در خارج به‌آسانی به سرزمین فرانسه پناهنده میشوند جلوگیری شود.

۲- جرائم ارتكابی در کشورهای کاپیتولاسیون

در بعضی از کشورهای مشرق و شرق دور که تمدن آنها عمیقاً با تمدن ما فرق دارد، فرانسویان نیز (نظیر اکثر دیگر غربیها) برای اینکه از قید قوانین و دستگاه قضائی محلی رها شوند برطبق معاهداتی بنام «کاپیتولاسیون» مدت‌های مدیدی برای خود امتیازاتی قائل شدند بدین معنی اگر جنحه یا جنایتی مرتکب میشدند باید برطبق قوانین محلی خود و توسط قضات کشور خود تعقیب و محاکمه بشوند (قدمت این رسم بزمان فرانسوای اول میرسد) این تأسیسات کاپیتولاسیون در زمانهای اخیر اهمیت خود را از دست داد زیرا کشورهای کاپیتولاسیون که تحت تسلط و نفوذ کاپیتولاسیون بودند خود را از قید آن رها و مستخلص نمودند.

۳- جرائم ارتكابی در کشور اشغال شده

الف - مورد اشغال مسالمت‌آمیز وقتی سخن از اشغال مسالمت‌آمیز بمیان می‌آید که دولتی برای حق‌شناسی به يك دولت مقتدر یا به‌منظور اینکه کمک این دولت مقتدر دوست‌را بنخود جلب‌کند به‌او اجازه عبور و اشغال موقت در داخل مرزهای خود میدهد، اصل این است که دولت سرزمین اشغال شده تحت حاکمیت دولت محلی است بنابراین جرائم حقوق عمومی ارتكابی در این سرزمین در صلاحیت همان دستگاه قضائی است که باین حاکمیت تعلق دارند معیناً بمنظور تضمین حاکمیت ارتش اشغال‌گر قبول شده که «مقررات فعلی مصوبه برطبق مواد ۶۶ تا ۷۷ قانون محاکمات نظامی» استثنائاً این جرائم به دستگاه قضائی این ارتش واگذار شود:

۱ - هر نوع جرائم ارتكابی از ناحیه اشخاص که به این ارتش وابسته‌اند.

۲- جرائمی که توسط خارجی‌ان بر علیه نیروی‌های مسلح اشغال‌کننده یا به تأسیسات و اموال آنها ارتكاب یابند.

ب - مورد اشغال جنگی

این مورد خیلی زیاد دیده شده است؛ باید متوجه این موضوع بود که در اشغال جنگی نه فقط دولتی که به‌قهر و غلبه وارد میشود اشغال جنگی است بلکه اشغالی هم که پس از خاتمه کشمکش تحت عنوان تأمین اجرای عفو عمومی یا معاهده صلح ادامه یابد (یعنی کشور غالب پس از تصرف از کشور اشغال شده خارج نشود) باز اشغال جنگی محسوب است، در اشغال جنگی حاکمیت سرزمین دولت اشغال شده محفوظ است ولی امتیازات وسیعی برای دستگاه قضائی ارتش اشغال‌گر قائل شده‌اند و این امتیازات نه فقط در مورد دو نوع از جرائمی است که فوقاً ذکر گردید (مقرراتی که اکنون توسط مواد ۷۲ تا ۷۴ قانون محاکمات نظامی تعیین شده) بلکه شامل کلیه اعمالی هم که بنحوی از انحاء لطمه به منافع دولت اشغال‌گر وارد کند و نیز شامل کلیه تدابیر اتخاذی و مقرراتی که کشور اشغال‌گر در کشور اشغال شده (از نقطه نظر برقراری تأمین نظم زندگی عمومی) وضع نموده میشود (ماده ۳۴۳ مقررات ضمیمه به چهارمین قرارداد لاهه ۱۹۰۷) یعنی چنین فرض شده که ارتش اشغال‌گر چون توسط عوامل و عناصر دشمن در احاطه است باید بمنظور حفظ خود احتیاطات لازمه را بجا آورد.

آرای صادره از دادگاههای ارتش اشغال‌گر اعتبار قضیه محکوم بها را (حتی بصورت منفی) ندارد.

«دنیاله دارد»
